

Investigating the theory of risk in Islamic economics with a jurisprudential approach

Abstract

Risk is one of the most fundamental issues in economics, especially Islamic economics, which has a fundamental impact on many issues of micro and macro economics. Although some research works have paid attention to this issue, but among the works of Sunnis, only the work of Awadiyah (2010) has addressed this issue as a comprehensive theory and barrier. In this article, we will answer the question whether in Islamic economics, according to the evidence in Shiite jurisprudence, the entitlement to profit in any kind of economic activity is subject to acceptance, using the book of Awizah and using the method of discovery attributed to Martyr Sadr. Risk from factors associated with that activity? For this purpose, first we provide a brief conceptual explanation of the theory of risk and then, in the form of defining the purpose, elements, contents and conditions of the theory and its criteria, we have explained the position of this theory in Islamic economics. In the following, we have examined the rational reasons (combination of truth and duty) and narration (6 reasons from Quranic verses and 3 hadiths from hadiths quoted in Shiite and Sunni sources as well as other confirmations of jurisprudential rules) in Sunni and Shiite sources. In the end, we have come to the conclusion that by accepting the concept of this theory, a genuine criterion can be achieved for examining new issues affecting society.

Keywords: Islamic economics, risk theory, jurisprudence rules, profit distribution, legitimacy of risk.

بررسی نظریه ریسک (مخاطره) در اقتصاد اسلامی با رویکرد فقهی

علی نقی قائمی نیک^۱سید محمد جواد رزمی^۲علی اکبر ناجی میدانی^۳محمد حسین حسین زاده بحرینی^۴

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

مخاطره یا ریسک، یکی از اساسی‌ترین موضوعات اقتصاد، به‌ویژه اقتصاد اسلامی است که نوع نگاه به آن در بسیاری از مسائل اقتصاد خرد و کلان تأثیری اساسی دارد. هرچند بعضی از آثار پژوهشی به این مسئله توجه نشان داده‌اند، اما در میان آثار اهل سنت، تنها اثر عوضیه (2010) است که به این مسئله به‌مثابه یک نظریه جامع و مانع پرداخته است. ما در این مقاله با نظر به کتاب عویضه و با بهره‌گیری از روش کشفی منسوب به شهید صدر، به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در اقتصاد اسلامی، با نظر به ادله موجود در فقه شیعه، استحقاق سود در هر نوع فعالیت اقتصادی منوط به پذیرش ریسک از سوی عوامل مرتبط با آن فعالیت است؟ به این منظور ابتدا توضیح مفهومی مختصر از نظریه مخاطره ارائه کرده و پس از آن، در قالب تعریف هدف، ارکان، مفاد و شروط نظریه و معیارهای آن جایگاه این نظریه در اقتصاد اسلامی را تشریح کرده‌ایم. در ادامه، دلایل عقلی (تلازم حق و تکلیف) و نقلی (6 دلیل از آیات قرآن و 3 حدیث از احادیث منقول در منابع شیعی و سنی و همچنین مویداتی دیگر از قواعد فقهی) این نظریه را در منابع اهل سنت و تشیع بررسی نموده‌ایم. در پایان به این نتیجه رسیده‌ایم که با پذیرش مفهوم این نظریه می‌توان به معیاری اصیل برای بررسی مسائل جدید و مبتلابه جامعه دست یافت.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، نظریه مخاطره (ریسک)، قواعد فقه، توزیع سود، مشروعیت مخاطره.

^۱ دانشجوی دکتری رشته اقتصاد توسعه و انرژی، پردیس بین الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
alinaghghaemi@gmail.com
^۲ دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
mjrazmi@um.ac.ir
^۳ دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
naji@um.ac.ir
^۴ استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
m.bahreini@um.ac.ir

مقدمه

مخاطره یا ریسک^۱، یکی از اساسی‌ترین موضوعات اقتصاد، به‌ویژه اقتصاد اسلامی است. نوع نگاه به آن در بسیاری از مسائل اقتصاد خرد و کلان تأثیری اساسی دارد. در ادبیات مرسوم اقتصادی به رفتار افراد در مواجهه با ریسک و نیز راه‌های مدیریت ریسک بیشتر توجه شده و مسائلی مانند اقتصاد اطلاعات، مخاطرات اخلاقی^۲، کژگزینی^۳ و راهکارهای برخورد با آن و نیز نظریه بازی‌ها مورد توجه است (صادقی و آسایش، ۱۳۹۴). با این حال مفهوم ریسک و نوع ارتباط آن با سودآفرینی و استحقاق سود تنها در ادبیات اخیر، آن هم بیشتر در مباحث توسعه‌ای و در آثار افرادی مانند جوزف شومپتر^۴، فرانکلین نایت^۵ و هولی ونگ^۶ دیده می‌شود. برخلاف توجه به این مسئله در نظریات اقتصاد مرسوم، در اقتصاد اسلامی کمتر به آن توجه شده است، اما با توجه به اهمیت و گستردگی کاربرد آن و میزان تأثیر آن در سایر احکام شرعی و مسائل اقتصادی ضروری می‌نماید این موضوع، فراتر از یک حکم شرعی یا قاعده فقهی و به صورت نظریه مورد بررسی قرار گیرد. به‌لحاظ پیشینه، این موضوع برای اولین بار از سوی عویضه (۲۰۱۰) تحت عنوان «نظریه ریسک در اقتصاد اسلامی» به‌صورتی محدود و از دیدگاه اهل سنت و در قالب یک نظریه مطرح شد. با عنایت به این مقدمه، در این مقاله سعی خواهد شد اولاً مبانی نظری و ثانیاً جایگاه این نظریه در اقتصاد اسلامی تبیین شود و با استفاده از دلایل عقلی و نقلی و قواعد فقهی، امکان تأیید و ارائه آن در قالب یک نظریه جامع با رویکرد فقه شیعی مورد بررسی قرار گیرد.

ما در ادامه به تفصیل به ارتباط عدالت و این نظریه خواهیم پرداخت، اما اجمالاً اینکه عدالت با سازگاری و برابری حقوق و تکالیف همراه است که در مسائل مختلف فقهی، مانند ارث، حقوق خانواده، روابط متقابل فردی و اجتماعی، روابط اقتصادی و معاملات، روابط بین‌المللی، ارتباط با محیط و تمامی شؤون زندگی انسان ها حکمفرماست. براساس مفهوم این نظریه، اقتضای عدالت حکم می‌کند که در فعالیت‌های اقتصادی متضمن ریسک و مخاطره، هریک از طرفین فعالیت، مخاطرات مربوط به خود را بپذیرد. با بررسی آیات قرآن و روایات معصومین (ع) می‌توان دریافت که محتوای نظریه بوسیله آیات و روایات متعددی تأیید می‌شود، از جمله حدیث نبوی که می‌فرماید: «آسمان‌ها و زمین براساس عدالت بنا شده اند»^۷ (الاحسانی، ۱۴۰۳ق، ۱۰۳/۴). در ادامه این مقاله پس از طرح پرسش‌های تحقیق، پیشینه تحقیق و روش‌شناسی، ابتدا چارچوب مفهومی نظریه، سپس تعریف آن بر اساس هدف و ارکان و پس از آن، شواهد قرآنی، روایی و مویذات فقهی ارائه خواهد شد.

1.2. پرسش تحقیق

این نظریه چنانکه در پیشینه تحقیق ذکر خواهد شد، تنها در سالهای اخیر و در میان چند پژوهش محدود و بیشتر در فقه اهل تسنن مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور مشخص نظریه ریسک با مشخصات ذکر شده و در راستای پاسخ به سوال اصلی تحقیق، تنها در تحقیق عویضه وجود داشته که او با استفاده از نظرات اهل

1 risk

2 Moral Hazard

3 Adverse Selection

4 Joseph Schumpeter

5 Franklin Knight

6 H. Holly Wang

7 «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»

تسنن به موضوع پرداخته است. ما در این مقاله سعی خواهیم کرد این مسئله را از منظر فقه تشیع مورد بررسی مجدد قرار دهیم. بنابراین پرسش اصلی این مقاله به این شرح است:

آیا در اقتصاد اسلامی، با نظر به ادله موجود در فقه شیعه، استحقاق سود در هر نوع فعالیت اقتصادی منوط به پذیرش ریسک از سوی عوامل مرتبط با آن فعالیت است؟

1.3. پیشینه تحقیق

اغلب تحقیقات مربوط به ریسک (مخاطره)، در حوزه مدیریت و کنترل ریسک صورت گرفته‌اند و تحقیقات کمتری از منظر یک نظریه به این مسئله نگریسته‌اند. با این حال آثار زیر قرابتی با موضوع این تحقیق دارند:

(1) در نزدیک‌ترین تحقیق، هادی غفاری (1392) و کریم اسلاملوئیان (1394) در مقاله‌های جداگانه با بررسی آیات و روایات و مبانی و قواعد فقهی شیعی، اقدام به ریسک را امری جایز و حتی در برخی موارد لازم می‌دانند.

(2) جمال‌الدین عطیه (1984م) با نگاهی متفاوت بیان می‌کند که هرگاه مخاطره در سرمایه‌گذاری به صفر درصد برسد، به دلیل نفی مخاطره، سود حرام است. وی به‌عنوان مثال به فروش چیزی که قبض نشده است اشاره می‌کند. به‌زعم او هرگاه مخاطره به صد درصد برسد، قمار است و شرعاً ممنوع است. مخاطره مباح بین این دو حد، در نوسان است.

(3) شهید محمدباقر صدر (1417ق) در کشف ثنوری اسلامی در توزیع، مخاطره را به‌عنوان عاملی از عوامل کسب درآمد حلال نمی‌شناسد. ایشان استحقاق درآمد را صرفاً ناشی از کار، شامل کار موجود یا کار انباشته می‌داند. از سوی دیگر ایشان به عدم استحقاق سود به وسیله مخاطره صرف، اشاره می‌کند در حالی که براساس این نظریه، مخاطره همراه با کار یا سرمایه مشروع استحقاق کسب سود را خواهد یافت.

(4) برخی از نویسندگان معاصر ضمن بحث در مورد نظریه ضمان و در ذیل بحث «نظریه تحمل مسئولیت»، به محتوای این نظریه اشاره مختصری دارند. محمد فوزی فیض‌الله (1986م) در «نظریه الضمان فی الفقه الإسلامی»، علی‌الخفیف (2000م) در «الضمان فی الفقه الإسلامی» و «الموسوعه الفقهیه» (1986م) در بحث از اصول کلی سود، اشاره‌ای کوتاه به موضوع داشته‌اند.

(5) سامی سویلم در مقالاتی در مجله «دراسات اقتصادیه اسلامیة» (2000م) و «معهد التدریب» (1998م) اشاره مختصری به محتوای این نظریه نموده است.

(6) محمدکاظم بکتاش (1395) در کتاب مبانی فقهی-اقتصادی توزیع مخاطره در بازارهای مالی و مقاله ای جداگانه (1391) با روش اکتشافی و با توجه به قواعد فقهی، بحث مشروعیت درآمدزایی مخاطره را مورد توجه قرار داده و معتقد است بین ریسک و درآمدزایی، رابطه‌ای مثبت و مستقیم برقرار بوده و اسلام براساس قواعد متعدد فقهی، بر این امر صحنه گذاشته است.

(7) ابونصرین محمد شخار (2008م) با توجه به معنای ضمان، به تشریح قاعده فقهی «الربح بالضمان» و قواعد مشابه با آن پرداخته و با استفاده از آن قواعد، ارتباط سود با ضمان، نقد حکم «بیع مرابحه» و «مرابحه للامر بالشراء» را بررسی کرده است.

(8) به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین اثر درباره موضوع مورد بحث، کتاب «نظریه المخاطره فی الاقتصاد الإسلامی» نوشته عبدالله عدنان محمدعویضه (2010م) است که به تعریف ریسک به‌عنوان یک نظریه پرداخته و با ادله متعدد از کتب روایی قواعد فقهی اهل سنت، مشروعیت درآمد حاصل از پذیرش

ریسک در اقتصاد اسلامی را اثبات کرده و نقش آن در بخش‌های مختلف اقتصادی را مورد توجه قرار داده است.

چنانکه مشاهده می‌شود در مجموع تحقیقات ذکر شده به ویژه در فقه شیعه، به این بحث به صورت کامل و جامع پرداخته نشده است. این تحقیق به دنبال آن است که با استفاده از نظریه مخاطره، با استفاده از منابع شیعی و اهل تسنن، نگاهی جامع و کامل در خصوص موضوع ارائه دهد.

1.4. روش‌شناسی

این مقاله از نوع تحقیقات بنیادی است و در قالب «ارائه نظریه» انجام شده و به کشف مبانی فقهی و اقتصادی موضوع پرداخته است. در این مطالعه با استفاده از روش کشفی محمدباقر صدر، با جمع‌آوری و استنتاج آیات، روایات، قواعد فقهی، دلایل عقلی و اجتهادات فقها، به عنوان روبناهای اسلامی، تلاش شده به نظریه‌ای جامع در مورد مخاطره و نقش آن در توزیع سود بین عوامل دست یافته و زمینه‌ای برای کمک به اهل فتوا و علاقه‌مندان اقتصاد اسلامی فراهم آید.

شهید صدر در توضیح روش کشفی متذکر شده است «اقتصاد اسلامی (را مستقیماً) می‌توان از نصوص استنباط کرد، ولی افکار مهمی هم وجود دارند که از نصوص استنباط نمی‌شوند، بلکه به‌طور غیرمستقیم یعنی از روبناها، نتیجه می‌گردند این روش دو مرحله دارد: مرحله اول، مشتمل بر جمع‌آوری احکام، مفاهیم، قواعد فقهی و حقوقی به عنوان روبنا و مرحله دوم، جمع‌بندی، تفسیر نظری و یک‌پارچه آنها و استخراج قواعد عام اقتصاد اسلامی به عنوان زیربنا است (صدر، 1417ق).

2. چارچوب مفهومی

2.1. تعریف مفهومی مخاطره در ادبیات اقتصاد اسلامی

واژه مخاطره در فقه به معنای «ماجراجویی و اقدام به کارخطرناک یا رکوب‌الأخطار» (کأسانی، 1982م، 88-71/6 و 128، 115/7؛ السرخسی، 1406ق، 44/10)، «ماجراجویی و مقامره» (الشیبانی، 1403ق، 731/2) و «ماجراجویی و خطری که برای عقد مفید است» (ابن‌عابدین، 1386ق، 125/3 و 245/5) دیده می‌شود. مخاطره در فقه نیز بر دو نوع است: ایجابی یا مباح به معنی احتمال سود و زیان حاصل از تحولات بازار^۱ و سلبی یا حرام به معنای غرر یا مقامره، با حاصل جمع صفر^۲ که در آن یک طرف از چیزی سود می‌برد که طرف مقابل می‌بازد.

2.2. مفهوم نظریه ریسک در اقتصاد اسلامی

نظریه ریسک، نظریه‌ای عمومی است که مجموعه‌ای از دلایل عقلی و روایی و شواهد و مویدات فقهی آن را تایید و پشتیبانی می‌کنند. این نظریه می‌کوشد با تکیه بر شواهد و استدلال‌های مختلف، این پرسش پاسخ دهد که «آیا در اقتصاد اسلامی، استحقاق سود در هر نوع فعالیت اقتصادی منوط به پذیرش ریسک از سوی عوامل مرتبط با آن فعالیت است؟» هرچند برای پرسش مذکور پاسخ‌هایی را به صورت پراکنده در میان اقوال فقها و ائمه معصومین(ع) می‌توان یافت، اما این نظریه مدعی است با استفاده از استدلال‌های مختلف و با روش کشفی به نظریه‌ای جامع و مانع اشاره می‌کند که در مراحل مختلف راهگشای علاقمندان به این موضوع است.

^۱ در این نوع معامله معمولاً سود یا زیانی تولید می‌شود که هر دو طرفین تقسیم می‌شود (الجمال، 2001م، 29-58).
2 zero sum game

ما در این مقاله سعی کرده‌ایم با تکیه بر ادله عقلی و نقلی و قواعد فقهی شیعی نشان دهیم که مخاطره می‌تواند در قالب یک نظریه در اقتصاد اسلامی طرح شود.

3. نظریه مخاطره در اقتصاد اسلامی چیست؟

ما در مقام تعریف این نظریه و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی، ابتدا هدف، سپس ارکان و شروط نظریه و معیارهای آن را بررسی کرده‌ایم. در مرحله بعد نیز ادله عقلی و نقلی را مورد ملاحظه قرار داده‌ایم.

3.1. هدف نظریه مخاطره در اقتصاد اسلامی

نظریه مخاطره، براساس اصل عدالت بنا شده است. تمام مصالح بندگان خداوند براساس عدالت بنا شده و بر همین اساس با اشاره به دلایل عقلی و آیات و روایات نقلی و ابواب فقهی، نشان داده می‌شود که نظریه مخاطره، با تکیه بر اصل عدالت، در چارچوب اقتصاد اسلامی می‌گنجد. لذا این نظریه به دنبال بررسی تحقق اصل عدالت است که از اصول مصرح دینی در مکتب تشیع محسوب می‌شود.

3.2. ارکان نظریه

با استفاده از محتوای تحقیق، می‌توان به ارکان این نظریه اشاره کرد. این ارکان که همان طرف‌های عملیات سرمایه‌گذاری ریسکی هستند، شامل درآمد احتمالی، شخص یا مقام ریسک کننده، کار ریسکی، ملکیت ریسکی و روش توزیع ریسک می‌باشند.

3.3. مفاد و شروط نظریه و معیارهای تحقق آن

فعالیت و سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز در صورتی مشروعیت دارد و منجر به استحقاق سود از طرف پذیرنده مخاطره می‌شود که اولاً مستند به عمل مشروع باشد. لذا مخاطره در اعمال نامشروع، مانند قمار و میسر و قرض ربوی، پذیرفته نیست و فرد مخاطره‌کننده مستحق هیچ پاداشی نخواهد بود. اما در روش‌های مشروع سرمایه‌گذاری، از جمله عقود مباح مانند انواع بیع، انواع تجارت و مشارکت (مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله) پذیرفته شده است. شرع به استحقاق مخاطره در کسب، در ابواب سبق (مسابقه) و مناضله (تیراندازی) نیز اقرار نموده است. ثانیاً، مخاطره باید به ملکیت مشروع استناد داشته باشد؛ لذا برخلاف گروهی از حنفی‌ها، رای فقهی جمهور فقهای شیعه و اهل تسنن¹ مبتنی بر حرمان غاصب از نماء مغضوب و نیز محرومیت از سود در معامله فاسد است؛ علی‌رغم اینکه غاصب ضامن آن است.

ثالثاً باید مخاطره به دلیل تحمل مغارم و زیان‌های حاصل از سرمایه‌گذاری باشد و این تحمل مغارم به دلیل ارتباط فرد به ملک یا عمل به وجود می‌آید. به دلیل تحمل این مخاطره شخص استحقاق سود پیدا می‌کند. لذا در مواردی مانند قرض، همین که ملکیت مشروع از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده منتقل شد، قرض‌گیرنده چون اکنون مالک حساب می‌شود، استحقاق غنم و منافع مال را در مقابل ضمان خود خواهد یافت. این در حالی است که مخاطره قرض‌دهنده (به دلیل قطع ارتباط وی با ملکیت و عدم تحمل مغارم ناشی از آن) معتبر نیست. به عبارت دیگر، به دلیل مخاطره، استمرار ملک سود به مالک جدید یا همان قرض‌گیرنده منتقل می‌شود (زرکشی، 1405ق: 119).

¹ در این رابطه عویضه می‌گوید: «جمهور فقها قائل به عدم ضمان منافع مغضوب هستند، در همین زمینه مراجعه کنید به»:

معابدة. قاعدة الخراج بالضمان وتطبيقاتها، مرجع سابق، ص 157 وما بعدها؛
ابن مفلح، إیراهیم. المبدع، بیروت: المکتب الإسلامی، 1400، ج 5، ص 168.
الشروانی، عبد الحمید. حواشی الشروانی، بیروت: دار الفکر، دت، ج 5 ص 293.

3.4. دلایل و شواهد نظریه مخاطره

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، نظریه مبتنی بر اصل عدالت و تلازم میان حقوق و تکالیف است. براین اساس و در صورت پذیرفتن این اصل، نظریه مورد پذیرش قرار می‌گیرد. براین اساس نظریه معتقد است که پذیرش ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری یا فعالیت فرد، از سوی خود عامل، مقتضی عدالت و تلازم حقوق و تکالیف است. لذا آنچه به‌عنوان دلایل و استنادات مطرح می‌شود در راستای اثبات این تلازم است. با بررسی ابواب و قواعد مختلف فقهی می‌توان به این نتیجه رسید که پذیرش مخاطره در کلیه عقود اسلامی ساری و جاری خواهد بود.

3.4.1. دلیل عقلی (تلازم حق و تکلیف)

تلازم میان تکالیف و تعهدات با حقوق امری بدیهی و عقلی است. این امر مبتنی بر «اصل عدالت» است که در تمامی ارکان هستی ساری و جاری است. تلازم حق و تکلیف به دو صورت قابل طرح است: اول، ثبوت حق برای یک موجود مستلزم ثبوت تکلیف برای موجود دیگر است و مکلف بودن یک موجود کاشف محق بودن موجود دیگر و دوم، در روابط اجتماعی، هر انسانی که صاحب حق است مکلف نیز هست. در این مقام، صورت دوم تلازم میان حق و تکلیف مورد بحث قرار می‌گیرد. مراد از صورت دوم این است که در روابط اجتماعی، انسانی که صاحب حق است، مکلف نیز هست. نمی‌توان گفت: یک انسان صرفاً دارای حق بر دیگران است و دیگران نسبت به او فقط دارای تکلیف هستند. هر انسانی در کنار حقوقی که بر دیگران دارد، تکالیفی نیز نسبت به آنها دارد (نبویان، 1386). این مباحث بیشتر در فلسفه علم حقوق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

3.4.2. دلایل نقلی

در کنار دلیل عقلی مبتنی بر تلازم حقوق و تکالیف، آیات و روایات متعددی دال بر آن وجود دارد.

یک. آیات قرآنی: این آیات عمدتاً با استناد به اصل عدالت، به تقابل بین حقوق و تکالیف اشاره دارند و با توجه به معنای اراده شده از سوی شارع، به عنوان مؤید نظریه مورد اشاره قرار می‌گیرند؛ از جمله:

– آیه 233 سوره بقره^۱ که در توضیح آن، به معنی ضمان موجود در آیه و رابطه میان ضمان هزینه‌های زندگی در برابر حق بارداری و رضاع پرداخته شده است (هاشمی‌شاهرودی، 1419ق: 157). برخی از اهل تسنن با استدلال به وجه دیگر آیه در عبارت «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» بیان می‌کنند که نفقه بچه‌ای که والدش فوت

^۱ «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُرْضِعَهُنَّ وَالرَّضَاعَةُ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعًا وَلَا تَنْضَارُ وَلَدَةٌ يَوْكُودًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يَوْلَادٌ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» یعنی «و مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند برای کسانی که بخواهند دوران شیرخوارگی را کامل کنند و بر عهده کسی است که فرزند برای اوست روزی دادن زنان و پوشش آنها در حد معروف، هیچکس بیش از وسع خود تکلیف نمی‌شود و مادر به خاطر فرزندش زیان نخواهد دید و نه کسی که فرزند برای اوست به واسطه فرزندش. زنانی را که طلاق می‌دهید از دارایی خویش در خانه‌ای از خودتان جای دهید. به آنان زیان مرسانید، تا بر ایشان تنگ بگیرید. اگر باردارند تا آنگاه که فرزندشان به دنیا آید، هزینه‌هایشان را بپردازید. پس اگر به فرزندان شیر دادند، بهای آن را بدهید و در میان خویش به شایستگی و به گونه‌ای پسندیده سر کنید و اگر بی‌چیز بودید، پس دایه‌ای دیگر او را شیر خواهد داد.»

شده، بر عهده کسانی است که از او ارث می‌برند و این را با کلیت تقابل حقوق و تعهدات سازگار می‌دانند (سبحانی، 1389، 3: 473).

– آیه 228 سوره بقره^۱ «بر حقوق متقابل بین زن و مرد تصریح دارد ... بنابراین زن و مرد (در عرصه زندگی زناشویی) در حقوق و وظایف، مانند یکدیگر هستند» (هاشمی‌شاهرودی، 1419ق: 35-40). با وجود اختلاف نظرات مفسرین شیعه و اهل تسنن (برای نمونه: طبری، 1412ق: 2: 453) در مورد معانی و مصادیق حق و تکلیف ذکر شده در آیه مذکور، این نکته که میان وظایف و تکالیف همسران تقابل و هماهنگی وجود دارد و حقی بدون تکلیف وجود ندارد، اختلافی دیده نمی‌شود.

– آیات 278-279 سوره بقره^۲ بر اساس تفاسیر مختلف شیعی مانند المیزان (1378، 128/2) و اهل تسنن مانند تفسیر طبری (1412ق، 108/3)، منطق تشریح در قرض را به‌عنوان مقابله به مثل نشان می‌دهد و به بیان ضرورت هماهنگی بین قرض دهنده از جهت استحقاقش به دریافت قرض بدون زیادت و بین قرض گیرنده در ادا و عدم معطلی در صورتی که معسر نباشد، می‌پردازد. براساس این آیه ربا حرام که در آن پاداشی بدون تکلیف و ضمان متقابل به وجود می‌آید، مخالف عدالت و ظلم و حرام است. در این زمینه اختلافی میان مفسرین و فقهای شیعه و سنی دیده نمی‌شود.

– آیات 7-9 سوره الرحمن^۳ که با وجود معانی مختلفی که در تفاسیر، از جمله تفسیر المیزان (1378، 19/156-155) برای آن بیان شده، به قسط و عدل دعوت می‌کند؛ همان عدلی که آسمان‌ها و زمین براساس آن استوار شده‌اند. ضمانت سود برای یکی از طرفین معامله و تحمیل مخاطره سرمایه‌گذاری به طرف دیگر، به‌منزله طغیان در میزان است؛ به این دلیل که یک طرف در هر صورت سود می‌برد و طرف دیگر در معرض مخاطره قرار می‌گیرد. توجه خداوند به اقامه قسط و عدم طغیان در میزان به عنوان مویدی بر امر فطری و عقلی توجه به عدالت در حقوق و تکالیف و به ویژه در تکالیف اقتصادی و مبادلات میان افراد، در این آیات به راحتی قابل مشاهده است.

^۱ «وَالْمُطَلَّقاتِ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُعْلِنَهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «زنان مطلقه، باید به مقدار سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند و همسران‌شان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، سزاوارترند؛ در صورتی که (به راستی) خواهان اصلاح باشند و برای زنان، همانند وظایفی که بردوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است.»

^۲ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تَتَّبِعُوا فَلَئِمَّ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ»؛ یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید* اگر (چنین) نمی‌کنید، آماده جنگ با خدا و رسولش، باشید! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود) نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود.»

^۳ «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لِاتُخْبرُوا الْمِيزَانَ*»؛ یعنی «آسمان را برافراشته و میزان نهاده، تا شما هم در سنجیدن‌ها خیانت نکنید، و باید که وزن را با رعایت عدالت بر قرار نموده و کم و زیاد نکنید.»

– آیه 29 سوره نساء¹ بنا به نظر مفسران شیعه از جمله در تفسیر المیزان (1378، 4/499-501) نهی از اکل مال به باطل است که باعث محافظت از اجتماع و برقراری آن خواهد شد؛ و انجام معاملات غرری مستلزم ظلم و باعث انهدام جامعه است. در اکل مال به باطل و نهی از آن به دلیل عدم تقابل حقوق و التزامات، این نکته نهفته است که عدم توجه به این تقابل به منزله کشتن خود یا جامعه تلقی می‌شود. تنها در صورتی که مبادله منجر به منفعت طرفین باشد یا با رضایت انجام شود، صحیح است.

– آیه 188 سوره بقره² که از معنای آن و برخی تفاسیر، مانند المیزان (1378، 2/31) و تفسیر طبری (1412 ق، 1/29) برمی‌آید که اکل مال به باطل و هر عملی که از عدالت در روابط مالی متقابل دور باشد، محکوم است تا جایی که مورد مواخذه قرار می‌گیرد و کسی که این ظلم را به برادر خود روا داشته در حقیقت به خود ظلم کرده است.

با توجه به نمونه آیات، دریافت می‌شود که قرآن کریم با تاکید بر معنای «عدل»، به عنوان یکی از اصول دین، حقوق و تعهدات را براساس تقابل و تعادل بنا نهاده است؛ لذا کسی که مغارم را تحمل می‌کند مستحق چیدن ثمره مغارم می‌داند. تقابل وارث با مورث، حقوق و تکالیف همسران، حقوق و تکالیف در معاملات، نهی از اکل مال به باطل و ربا، همگی بر تقابل حقوق و تکالیف دلالت دارند.

دو. روایات و احادیث: در زمینه تلازم حقوق و تکالیف روایات زیادی نیز وارد شده است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

– حضرت امیر(ع) در خطبه 216 نهج البلاغه فرموده‌اند: «حق آسان‌ترین چیزهاست به زبان و مشکل‌ترین کارهاست در عمل. حق برای هیچ‌کس قرار داده نشده است، مگر آنکه علیه او نیز قرار داده شده است و علیه هیچ‌کس قرار داده نشده است، مگر اینکه برای او نیز قرار داده شده باشد. اگر کسی باشد که حق برای او جاری شود ولی بر عهده وی قرار نگیرد، آن (حق) خالص و کامل برای خدا خواهد بود و نه خلق خدا. لیکن خداوند سبحان حق خود بر بندگان را آن قرار داده که وی را اطاعت کنند و پاداش آنان را افزایش ثواب قرار دهد به عنوان تفضلی از سوی خود و توسعه‌ای برای اعطاء مازاد به اهل (عبادت و اطاعت)»³ (نهج البلاغه، خطبه 216). این حدیث شریف یکی از صریح‌ترین نصوص در مورد تقابل حقوق و تکالیف و یا تقابل حق به نفع فرد و حقوق بر عهده وی به شمار آورد که براساس آن هیچ موجودی نیست که دارای حق یک‌جانبه یا تکلیف یک‌جانبه باشد.

¹ «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطلِ إلا أن تكون تجارةً عن تراضٍ منکم ولا تقتلوا أنفسکم، إن الله کان بکم رحیماً؛ یعنی، «هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آن که تجارتي باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده، و یکدیگر را به قتل نرسانید، که خدای با شما مهربان بوده است.»

² «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛» یعنی «و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می‌دانید [که این عمل حرام است.]»

³ «فالحق أوسعُ الأشياءِ فی التواضُعِ و أضيقُها فی التناصُعِ، لا یجری لاحدٍ إلا جری علیهِ و لا یجری علیهِ إلا له و لو کان لاحدٍ أن یجری له و لا یجری علیهِ، لکان ذلک خالصاً لله - سبحانه - دون خلقِهِ و لکنه سبحانه جعلَ حقّه علی العبادِ أن یطیعوه و جعلَ جزاءَهُم علیهِ مُضاعفَهُ الثوابِ تفضلاً منه و توسعاً بما هوَ مزیدُ اهله.»

- اهل سنت روایاتی را در خصوص موضوع مورد بحث مطرح می‌کنند که معروف‌ترین آنها حدیثی است که از عایشه نقل شده که پیامبر (ص) فرمود: «الخراج بالضمآن» (الحاکم، ابو عبدالله، 18/2). اما در خصوص اعتبار حدیث و نیز دلالت آن به ویژه از سوی علمای شیعه نکاتی وجود دارد که لازم است به آنها توجه شود (ر.ک: بجنوردی، 1401ق: 277-278). با وجود اینکه در حجیت حدیث در بین برخی فقهای اهل تسنن و قاطبه فقهای شیعه خدشه جدی وجود دارد، ولی بنا به دلایل عقلی محتوای آن پذیرفته شده و جزء قواعد شناخته شده و مشهور فقهی به شمار می‌آید. از سوی دیگر با وجود احتمالات مختلف در خصوص دلالت حدیث، تقریباً در این زمینه اشتراک نظر وجود دارد که سببیت (و یا حداقل تقابل) بین خراج و ضمان وجود دارد. لذا آنچه می‌تواند از خلاصه نصوص ذکر شده به دست آید این است که تعهد به دلیل تحمل غرامت، برعهده بودن یا ضمانت چیزی، یا هلاک شدن آن سبب استحقاق منافع می‌باشد.

- روایتی از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «مَنْ ابْتاعَ طَعَاماً فَلَا يَبِيعُهُ حَتَّى يَقْبِضَهُ» به این معنی که «هر کس طعامی بخرد، پس نباید آن را بفروشد، مگر اینکه آن را قبض کند» (البخاری، 1998: 400). در این مساله فقهای شیعه انتقادهایی را وارد دانسته‌اند، به ویژه در خصوص اطلاق نهی اختلاف کرده‌اند و اقوال مختلفی در این مورد ذکر شده است. همان‌طور که فقهای اهل تسنن نیز در این مساله اختلاف کرده‌اند. عموم اختلاف بر مصداق نهی و عمومیت یا عدم عمومیت آن قرار دارد در حالی که در اینجا اشاره به التزام بین قبض و ضمان کفایت می‌کند. اثر مهم در قبض شرعی همان نقل ضمان مبیع از فروشنده به خریدار است. نقل ضمان ثمن از خریدار به فروشنده و نیز نقل ضمان قرض از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده انجام می‌شود. با وجود ضمان، مالک استحقاق مغانم ملک را می‌یابد (عویضه، 2010). عدم جواز فروش قبل از قبض نشان می‌دهد، فروشنده با فروش طعام قبل از قبض آن عملاً مخاطراتی مانند فساد یا از بین رفتن طعام را نمی‌پذیرد، لذا خواهان منفعت بدون مخاطره است که بر خلاف مقتضای نظریه مخاطره و مفهوم عدالت است.

3.4.3. مؤیدات نظریه از میان دیگر قواعد فقهی

یکی از راه‌های کمک به استنباط مسائل شرعی استفاده از قواعد فقهی است که متضمن حکمی شرعی است که بر اغلب اجزایش انطباق دارد. قواعدی مانند «تلف فی زمان الخيار من البایع» و «تلف المبیع قبل القبض من مال البایع»، «العدل و الانصاف»، «کل خساره فی المضاربه تجبر بالربح»، «کل رهن فانه غیر مضمون»، «کل عقد لایضمن بصحیحه لایضمن بفاسده»، «لاضمان علی المستعیر» (مصطفوی، 1384 و الايروانی، 1386) «غرور»، «تلف مبیع قبل از قبض»، «اقدام»، «حیازت»، «احیاء موات»، «تحجیر» (محقق داماد، 1385) از جمله قواعدی هستند که به تایید نظریه کمک می‌کنند.

بسیاری از این قواعد به التزام میان منافع و مغارم می‌پردازند. صاحب کتاب مائه قاعده فقهیه نیز با تاکید بر اینکه این قواعد معنای یکسانی دارند آنها را یک قاعده تلقی می‌کند (مصطفوی، 1384: 284). براساس برخی از قواعد فقه مالی مانند «الخراج بالضمآن»، «الغنم بالغرم»، «الغرم بالغنم»، «النعمة بقدر النعمه»، «النعمه بقدر النعمه»، «من ضمن مالاً فله ربحه» و «الاجر و الضمان لایجمعان»، «نهی النبی عن بیع الغرر» و قاعده «مأیضمن بصحیحه یضمن بفاسده و ما لایضمن بصحیحه لایضمن بفاسده» در همین راستا طرح شده‌اند (سرآبادانی، 1391). منشأ استحقاق سود در هر عملیات سرمایه‌گذاری، تنها ریسک همراه با مال یا عمل است، زیرا سرمایه‌گذار یا کارفرما آماده تحمل نتایج سرمایه‌گذاری از جهت سود یا زیان است. براساس این نظریه، ملازمه‌ای منطقی مبتنی بر عدالت، بین عمل و پاداش و بین حقوق و تکالیف و بین مغانم و مغارم و بین انواع

سرمایه‌گذاری و نتایج حاصل از آنها، به‌عنوان یکی از اصول قانون‌گذاری مالی اسلامی وجود دارد. برخی از قواعد مذکور از نظر شیعه مورد قبول نیست و برخی دیگر با قیودی خاص مورد پذیرش می‌باشند. با توجه به محدودیت مقاله صرفاً به تشریح برخی از این قواعد به شرح زیر اشاره می‌شود:

- قاعده «الخراج بالضمن» به اختصار عبارت است از اینکه خراج حاصل از چیزی یا محصول منفصله از آن مانند کسب عبد و اسکان خانه و اجاره دادن چهارپا در مقابل ضمان است (الزرقا، ۱۴۰۹ق: ۳۶۱). اصل حدیث این قاعده از مسیر روایی شیعی مورد پذیرش نیست ولی قریب به اتفاق علمای شیعه این مفهوم را به‌عنوان یک قاعده فقهی پذیرفته‌اند. مصطفوی (۱۳۸۴: ۲۸۴) محتوای این قاعده را کاملاً منطبق با نظریه ریسک می‌داند.
- قاعده «الغرم بالغنم» یا قاعده «مَنْ لُهُ الْغُنْمُ فَلِعَلِّهِ الْغُرْمُ»: این دو قاعده که معمولاً به یک معنا به‌کار می‌رود، به‌اجمال به‌معنای آن است که «هر کسی که نفع چیزی به او می‌رسد، باید ضررش را تحمل کند» (حیدر خواجه امین، ۱۴۱۱، ج ۱: ۷۹). این قاعده به تلازم بین خراج و ضمان به صورت دیگر می‌پردازد و بیان می‌کند که ضمان نیز با خراج است. با توجه به اینکه این قاعده به صراحت به التزام غنیمت و حق در مقابل خسارت و هزینه اشاره دارد به خوبی نشان دهنده موضوع اصلی نظریه که تقابل و التزام حق با تکلیف و پذیرش مخاطره با استحقاق سود است، خواهد بود.
- قاعده «النعمة بقدر النعمة والنقمة بقدر النعمة»: مراد از این قاعده این است که یکی از آن دو (نعمت) به میزان دیگری (نقمت) است ... پس هر نعمتی که انسان آن را از چیزی می‌یابد به همان مقدار تکلف و مشقت خواهد داشت» (مجله الأحكام العدلیه، ماده: ۸۶).

3.4.4. مویدات فقهی

با جستجو در ابواب مختلف فقه و احکامی که دلالت بر مبادلات اقتصادی دارند، می‌توان مخاطره را به‌عنوان یکی از اسباب کسب عایدی و اعتبار به حساب آورد. این ابواب گستردگی زیادی دارد و شامل ارث، نظام عاقله، انواع عقود مانند عقد مزارعه، مساقات، جعاله، مسابقه، رمایه، وصیت، ضمان، ضمان جریره، بیمه، قرعه، رهن، عاریه و انواع مشارکت خواهد بود. با توجه به گستردگی بحث و محدودیت مقاله برخی از این ابواب به صورت زیر مورد اشاره قرار می‌گیرند:

- «ریح مالم یضمن»: یعنی کسی کالایی را بخرد و پیش از آنکه از فروشنده تحویل بگیرد، با قیمت بیشتر به دیگری بفروشد. رسول خدا (ص) چنین معاملاتی را نهی کرده و از امام صادق (ع) روایت شده است که پیامبر (ص) یکی از یاران خود را نزد مردم مکه فرستاد تا بازرگانان را از چند نوع معامله، از جمله «ریح مالم یضمن» باز دارد. فقهای سنی و شیعه، از جمله امام خمینی در کتاب البیع (خمینی، ۱۳۷۸، ۴۰۱/۵)، صاحب جواهر در کتاب جواهر الکلام (نجفی، ۱۳۶۲، ۴۱۶/۲۳) و ابن‌قدامه در المغنی (۱۴۰۵ق، ۲۲۲/۵) در مورد این حدیث و دلالت آن بر حرمت یا کراهت، و اینکه در مورد خاصی بوده یا حکم حکومتی بوده یا خیر، نظراتی دارند. حتی در صورت قائل بودن به کراهت فروش قبل از قبض، این امر نشان می‌دهد که ضمانتی که به واسطه قبض پدید می‌آید به‌عنوان یکی از موضوعات قابل تامل در معامله مطرح است و می‌تواند حکایت از عدم استحقاق ضمنی کسی داشته باشد که مالک شیء نیست و ضمانت آن را به عهده نگرفته است.

- نمونه دیگر «استحقاق سود از سوی مضارب (عامل)» است. در مضاربه اگر عامل، شرکت در سود را شرط کند، مضاربه صحیح است و ضمانی به عهده ندارد. ولی اگر سرمایه مالک را تضمین کند، تمامی سود به مضارب تعلق می‌گیرد. این مطلب براساس صحیحه محمدبن‌قیس قابل استشهاد است: امام باقر(ع) به نقل از حضرت علی(ع) فرمود: «هرکس با مالی تجارت کند و شرط کند که نصف سود به وی تعلق یابد، ضمانی به عهده وی نیست و فرمود اگر کسی [مال] تاجری را ضمانت کند، پس برای [تاجر] چیزی جز اصل سرمایه‌اش نیست و از سود برای وی چیزی نیست»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۵/۲۴۰). در همین زمینه محمدحسین بحرینی بیان می‌کند: «براساس صحیحه مزبور اگر در قرارداد مضاربه، عامل، سرمایه مالک را تضمین کند، تمامی سود به عامل تعلق خواهد داشت. در واقع وقتی عامل، سرمایه مالک را تضمین می‌کند، براساس تعریف اقتصاد اسلامی از خطر، هیچ‌گونه خطری متوجه مالک نیست...» (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۷۵). در حقیقت، می‌توان گفت استحقاق مضارب (عامل) برای سود، به دلیل استعداد او برای تحمل مخاطره است. عایدی برای صاحب مال و برای مضارب احتمالی است. این مخاطره‌ای است که دو طرف متحمل آن می‌شوند. صاحب مال از مالش زیان می‌کند و عامل، زیان از بین رفتن ثمره ناشی از تلاش خود را متحمل می‌شود.

- نمونه دیگر «سمساری یا دلالی» است. «دلالی وساطت در خرید و فروش است و از آن به سمساری نیز تعبیر شده است. به واسطه، دلال و سمسار گویند. از آن در باب تجارت سخن گفته‌اند» (حلی، ۱۴۱۱، ق، ۲/۱۰۲۲). دلالی، از نظر فقهای شیعه و بسیاری از اهل تسنن عملی مشروع است و گرفتن اجرت بر آن جایز است. البته این نکته در مورد سمسار یا دلالی قابل توجه است که عایدی وی از نوع سود و نتیجه مشارکت در فعالیت اقتصادی نیست؛ بلکه، از نوع اجرت است؛ اجرتی که در معرض مخاطره قرار دارد و قطعی نیست، به عبارت دیگر منوط و معلق به انجام کار و به نتیجه رسیدن است.

۴. نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد

در این مقاله، با بررسی تطبیقی نظرات فرق مختلف اهل تسنن و اندیشمندان شیعه سعی شد با توجه به پرسش اصلی تحقیق، با استفاده از نظریه مخاطره، نشان داده شود که به‌لحاظ مبانی نظری اقتصاد اسلامی و با استناد به دلایل عقلی و نقلی و ابواب فقهی، استحقاق سود در هر نوع فعالیت اقتصادی منوط به پذیرش ریسک از سوی عوامل مرتبط با آن فعالیت است. بنابر نظریه مخاطره یا ریسک و با نظر به میانی اقتصاد اسلامی، زمانی فعالیت اقتصادی استحقاق سود را دارد که متضمن ریسک و مخاطره باشد. با پذیرش مفهوم این نظریه می‌توان به معیاری اصیل برای بررسی مسائل جدید و مبتلابه جامعه دست یافت.

توجه به جایگاه نظریه ریسک می‌تواند: (۱) در بررسی راهکارهای سنتی و مدرن تامین مالی، مباحث جدید اقتصاد مالی و معاملات اقتصادی موثر باشد. (۲) توجه خاص به این نظریه در ابواب مذکور، نقش قابل توجهی در فرایند افتاء و قانونگذاری اسلامی ایفا خواهد نمود. (۳) در مطالعات اقتصادی نیز این موضوع امکان گسترش و تحقیق بیشتر دارد، از جمله در مباحث توزیع متوازن سود براساس مصلحت فرد یا جامعه و براساس نظریه مخاطره و مفهوم عدالت؛ نقش نظریه ریسک در توزیع ابتدایی و ثانویه منابع؛ مخارج اولیه و ریسک استمرار ملکیت و رابطه مخاطره با پاداش کار، سرمایه، عواید زمین و کارفرما؛ کاهش حد مخاطره در

^۱ «لِيُؤْتِيَ ابْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حَمِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «مَنْ اَتَجَرَ مَالًا وَ اشْتَرَطَ نِصْفَ الرُّبْحِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ وَ قَالَ مَنْ ضَمَّنَ تَاجِرًا فَلَيْسَ لَهُ اِلَّا رَأْسُ مَالِهِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنَ الرُّبْحِ شَيْءٌ». کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق

کلیت جامعه با توزیع ریسک بین طرفین معامله و توزیع متوازن آن در جامعه. تدقیق در این موارد، نیازمند پژوهش‌های دیگر است. موارد فوق به عنوان موضوعات تحقیقات سایر محققان پیشنهاد می‌شود.

منابع فارسی و عربی

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه، 1386، قم: موسسه فرهنگي تحقيقاتي اميرالمومنين(ع).
3. ابن مفلح، إبراهيم (1400ق). المبدع (جلد 5). بيروت: المكتب الإسلامي.
4. ابن عابدین، محمد امین (1386ق). الحاشیه. بیروت: دار الفکر.
5. ابن قدامه، عبدالله بن أحمد (1405 ق). المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی. بیروت: دار الفکر.
6. ابن منظور، جمال الدین (1981م). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
7. الاحسانی، ابن ابی جمهور (1403ق/1983م). عوالی اللالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة (جلد 4). قم: مطبعة سيد الشهداء.
8. الأزهری، صالح عبدالسمیع الآبی (1410ق). الثمر الدوانی شرح رساله القیروانی. بیروت: المكتبة الثقافية.
9. اسلامولیان، کریم (1394). بررسی نظریه سود نئوکلاسیکی و مقایسه آن با دیدگاه اسلامی. جستارهای اقتصادی، پاییز و زمستان (24)، 79-106.
10. امامی، سید حسن (1386). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی.
11. انصاری، مرتضی (1421ق) صیغ العقود و الإیقاعات. قم: مجمع اندیشه اسلامی دفتر انتشارات اسلامی و ایسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
12. الأیوبی، عمر (1995م). معجم الاقتصاد. بیروت: أكاديمية.
13. آل عصفور بحرانی، حسین بن محمد (1410ق). عیون الحقائق الناظره فی تتمه الحدائق الناظره. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین.
14. آملی، محمد تقی (1380). المكاسب والبیع: ابیاحث الاستاذ المیرزا محمد حسین الغروی النایینی، (جلد 1). قم: الجماعة المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.
15. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (1401ق). قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه عروج.
16. البخاری، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل (1998م). صحیح البخاری. الرياض: بیت الأفكار الدولیه.
17. بکتاش، محمد کاظم (1395). مبانی فقهی اقتصادی توزیع مخاطره در بازارهای مالی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
18. بکتاش، محمد کاظم (1391). مشروعیت درآمدزایی ریسک و مخاطره در بازارهای مالی از دیدگاه فقه امامیه. تهران: فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، 4(7)، 115-141.
19. الحاکم، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (1990م). المدرك علی الصحیحین. (تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا). بیروت: دارالکتب العلمیه.
20. حسین زاده بحرینی، محمد حسین (1375)، بررسی فقهی و اقتصادی سود تضمین شده (علی الحساب) در سیستم بانکداری بدون ربا. تهران: نشریه اندیشه حوزه 5
21. الحلی، الحسن بن یوسف بن المطهر (1411ق). تبصره المتعلمین فی احکام الدین. تهران: موسسه الطباعة الطبع و النشر.
22. حیدر خواجه امین افندی، علی (1411ق) درر الحکام فی شرح مجله الأحکام، نشر دار الجیل.

23. الخفيف، علي (2000م). *الضمان في الفقه الإسلامي*. القاهرة: دارالفكر العربي (طبعة معهد البحوث والدراسات العربية).
24. خميني، سيدروح الله الموسوي (1378). *كتاب البيع*. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).
25. خميني، سيدروح الله الموسوي (1425ق). *ترجمه تحرير الوسيله*، (مترجم: علي اسلامي، جلد 4). قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
26. خوانساري نجفي، موسى (۱۳۷۳ق). *منية الطالب في حاشية المكاسب* تقريراً لباحث آيت الله محمد حسين الغروي الثاني (جلد 1). تهران: مطبعة حيدري.
27. خويي محمدتقي. (1415ق) *مباني العروة الوثقى - كتاب المساقاة - محاضرات ابوالقاسم الموسوي الخويي*، (جلد ۲).
28. الزرقا، احمد محمد (1409ق) *شرح القواعد الفقهية*، تحقيق: عبد الستار أبو غدة و مصطفى أحمد الزرقا، دمشق، دارالقلم.
29. زركشي، ابو عبدالله بدرالدين محمد بن عبدالله بن بهادر (1405ق). *المنثور في القواعد* (جلد 2). كويت: وزارة الاوقاف الكويتية.
30. سبحاني، جعفر (1389). *استفتائات آيت الله سبحاني* (چاپ اول، جلد 3). تهران: مؤسسه تعليماتي-تحقيقاتي امام صادق (ع).
31. سرآباداني، غلامرضا (1393). *ريسك، مفهوم و کاربردهای آن در اقتصاد اسلامي*. تهران: *مجله اقتصادي*، (9 و 10)، 5-14.
32. السرخسي، محمد بن أبي سهيل (1406ق). *المبسوط* (جلد 10 و 11). بيروت: دار المعرفة.
33. الشافعي، عبدالرحمن (1976م). *عقد الرهن في الشريعة الإسلامية*، مصر: دار الأنصار.
34. شخار، ابونصر بن محمد (1429 ق). *قاعدة الریح بالضمآن دراسة تاصيلية تطبيقية*. عمان: معهد العلوم الشرعية.
35. الشرواني، عبدالحميد (1410ق). *حواشي الشرواني*، بيروت: دارالفكر.
36. الشيباني، محمد بن الحسن (1403ق). *الحجة على أهل المدينة*. (تحقيق: مهدي الكيلاني). بيروت: عالم الكتب.
37. الشيرازي، أبو إسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الفيروزآبادي (1416ق). *المهذب في فقه الإمام الشافعي و بذييل صحائفه النظم المستعذب في شرح غريب المهذب* (جلد 1). بيروت: دار الكتب العلمية.
38. صدر، سيد محمد باقر (۱۴۱۷ق). *اقتصادنا*. مشهد: دفتر تبليغات اسلامي، شعبه خراسان.
39. طبري، ابو جعفر محمد بن جرير (1412ق). *جامع البيان في تفسير القرآن* (تفسير طبري). بيروت: دار المعرفة.
40. عطية، جمال الدين (1984م). *الأعمال المصرفية في إطار إسلامي*. مجلة المسلم المعاصر، (38)، 643-633.
41. عويضة، عدنان عبدالله محمد، (2010م)، *نظريها لمخاطرة في الاقتصاد الاسلامي*. هيرندن (ويرجينيا): المعهد العالمي للفكر الاسلامي.

42. غفاری، هادی (1392). مشروعیت ریسک مالی از دیدگاه آموزه‌های اسلامی. *دوفصلنامه پژوهش‌های مالی اسلامی*. 1(2)، 69-82.
43. فیض‌الله، محمدفوزی (1986م). *نظریه الضمان فی الفقه الإسلامی*. الكويت: مكتبة دارالتراث.
44. قدیری، محمدحسن (1386). *البيع تقریرا لما افاده الامام الخمينی*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
45. کاشف الغطای نجفی، محمدحسین (1359ق). *تحریرالمجله*، (جلد 1). تهران: مكتبة النجاشی.
46. الکاسانی، علاءالدین ابوبکرین مسعود (1982م). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع* (جلد 6). بیروت: دارالکتب العربی.
47. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (1407 ق). *الکافی* (جلد 8). تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
48. محقق کرکی، علی بن حسین (1368). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، (جلد 7). قم: موسسه آل‌البتیت لاحیاء التراث.
49. مصطفوی، محمد کاظم (1427ق). *فقه المعاملات*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
50. مصطفوی، محمد کاظم (1384). *مائه قاعده فقهیة*. قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة.
51. مطهری، مرتضی (1376). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. قم: انتشارات صدرا.
52. موسسه دائره المعارف الفقه الإسلامی (1986م). *الموسوعه الفقهیة*. الكويت: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامیة.
53. نبویان، سید محمود (1386). *حق و تکلیف و تلازم آنها. معرفت فلسفی*، سال پنجم، شماره دوم، زمستان 1386 (18)، 217-253.
54. هاشمی شاهرودی، سید محمود (1419ق). *بایسته‌های فقه جزا*. تهران: نشر میزان - نشر دادگستر.

منابع انگلیسی

1. Al-Suwailem, Sami (2000). Towards an objective Measure of Gharar in Exchange. *Islamic Economic Studies*, (7), Nos. 1 & 2, Oct. '99, Apr. 2000.
2. ----- (1998). Venture Capital, a potential Model of Musharakah, AL Rajhi Banking and Investment Corp. *Riyadh; Research Center, JKAU: Islamic Econ*, (13), Vol. 13, pp. 61-62 (1421 A.H / 2001 A.D).
3. *Oxford English Dictionary* (2002), Second Edition, New York, *New Yorker*.